



دوره هشتم، سال اول، شماره ۲۵  
پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۶۳  
بها ۲۰ ریال

## اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران

### و کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

ضد ملی رژیم نظامی ضیاء الحق را که کلیه احزاب ملی و مترقی و سازمانهای اجتماعی را از استفاده از حقوق دمکراتیک محروم ساخته مطرح کرد.

رژیم نظامی ضیاء الحق به زور سرنیزه بر کشور حکومت می کند و فراندوم نیاپی اخیر نشانگر آن است که این رژیم دست نشاندۀ امپریالیسم امریکا فاقد پایگاه اجتماعی در کشور است.

هیئت های نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست پاکستان در این گردهمایی که در محیط رفیقانه و تفاهم و همبستگی کامل انجام گرفت به نتایج زیرین رسیدند:

در اواخر ژانویه ۱۹۸۵ هیئت های نمایندگی حزب توده ایران و حزب کمونیست پاکستان گردهم آمدند. در این گردهمایی، هیئت نمایندگی حزب توده ایران، بحران اجتماعی- اقتصادی و سیاسی کشور را که محصول خیانت ارتجاع حاکم به آماجهای مردمی انقلاب بهمن ۵۷ است و نیز تجاوز ارگان های سرکوبگر جمهوری اسلامی ایران را به حقوق و آزادیهای دمکراتیک، سرکوب دگراندیشان، یورش سبانه به حزب توده ایران، اعدام، قتل و شکنجه هزاران توده ای در بند و دیگر نبردهای مترقی و دمکرات را برای نمایندگان حزب برادر تشریح کرد. هیئت نمایندگی حزب کمونیست پاکستان، سیاست

بقیه در صفحه ۶

## به جنگ امپریالیسم برافروخته باید پایان داد!

جبهه های جنگ ایران و عراق دگر باره فعال شده اند. در پیامد بمباران و آتشباری توپخانه دوربرد طرفین، تنها در کشور مادر شهرها و روستاهای خوزستان ده ها تن از هم میهنان جنگ زده بـه خاک و خون کشیده شدند یا زیر آوار سرپناه خود جان باختند و صدها تن مجروح شدند. در همان حال دوباره نفتکش هادر خلیج فارس مورد حمله قرار گرفتند و بطور کلی وخامت اوضاع در جبهه های جنگ و منطقه بیش از پیش تشدید گردید.

هم اکنون در کشور ما جنب و جوش تازه ای در زمینه بسیج و اعزام نیروهای تازه نفس برای شعله ور کردن هر بیشتر آتش جنگ آغاز شده است. آقای خمینی فتوای "جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم" را صادر کرد تادر "رحمت" رابه روی مردم ایران بکشاید. به دنبال آن رئیس جمهور از وارد آوردن "آخرین ضربت" و وزیر سپاه بازاز "یکسره کردن تکلیف جنگ" و اقدامات تلافی جویانه سخن گفت و آقای رفسنجانی نیز بنوبه خود تصریح کرد که نمی خواهیم "جنگ راکد بماند و جبهه ها سرد و خاموش شود". بدینسان سران جمهوری اسلامی برای پیشبرد نقشه های تجاوزکارانه و توسعه طلبانه خود بقیبت خسارات جبران ناپذیر جانی و مالی مردم رنج دیده ایران به این جنگ خانمانسوز و امپریالیسم و ارتجاع برافروخته ادامه میدهند.

تردیدی نیست در حال حاضر که سران ج.ا.د دیگر نمی توانند موج اوج گیرنده صلح خواهی توده ای و مزمه های نمان و آشکار ناراضی نسبت به ادامه بقیه در صفحه ۶

### دکتر تقی ارانی:

فرزانه انقلابی و جبهه تابناک جنبش کارگری و کمونیستی ایران

صفحه ۲

## چه کسانی بر ایران اسلامی حکومت می کنند

حضرت امام نشست و از ایشان سوال کرد که حضرت امام، در مسائل اقتصادی چه بکنیم؟ و سریعاً "رهنمود امام امت و فقیه عالیقدر حضرت آیت الله العظمی منتظری را در مورد مسائل اقتصادی پیاده کرد و هرگز نباید ترسید که آینده این کار چه می شود... اگر امروز امام فتوا داد که همه بازرگانی باید دولتی باشد ما پرچم را بلند می کنیم و می گوئیم دولتی خوبست، چون فقه می گوید و اگر فردا گفتند همه بازرگانی را به بخش خصوصی بدهید، باز ما پرچم را بر میداریم و می گوئیم این خوب است، خودمان در مورد مسائلی که ریشه فقهی دارد حق نداریم که اظهار نظر کنیم و همه آنها را که منهای مراجع به فقه اظهار نظر می کنند، آنها را در راه صواب نمی بینیم."

مطالب بسیار چالشی است. نشان می دهد که در رژیم "عدل اسلامی"، رژیمی که اعلامیه جهانی حقوق بشر را رسماً رد می کند، انسان به چه درجه از انحطاط سقوط کرده است. فردی که مطالب فوق را اظهار می کند، یک فرد عادی نیست، او وزیر است و سرنوشته صدها هزار انسان ساده و خوشبخت که نام پاسدار انقلاب اسلامی بخود داده اند، دردست او گروهی از قماش اوست. این آقایان رهبران، زبردستان خود را با همان روحیه ای می پرورند، که خود دارند. یعنی سلب مطلق تفکر و اعتقاد از خود. یعنی تبدیل شدن به بقیه در صفحه ۲

روزنامه جمهوری اسلامی، که صاحب امتیاز آن رئیس جمهوری است، در یکی از شماره های اخیر خود مصاحبه ای با وزیر سپاه پاسداران بعمل آورده است که مطالب چالشی دارد. البته قصد ما تحلیل اظهارات این وزیر با تدبیر، که از رجال رژیم ولایت فقیه است، نیست. ما فقط به اظهار نظر این آقای وزیر، در مورد مسائل اقتصادی توجه می کنیم. از او درباره موضوع اقتصادیش سوال می شود و چنین پاسخ می دهد: "... من بارها گفته ام که اگر ما در جنگ، سیاست خارجی و هر بعد دیگری موفق هستیم، به خاطر اطاعت و پیروی کردن بی چون و چرا از امام امت است. اصولاً من با این مطلب موافق نیستم که بنده مجری بی اطلاع از مبانی اقتصادی اسلامی در این مورد نظر بدهم. ما تنها یک نظر می دهیم و آن اینست که می گوئیم آنچه را که امام بعنوان خط مشی اقتصادی مطرح می کنند، آن باید اجراء شود... هرگاه دست اندرکاران و صاحب نظران اقتصادی قبول کردند که... فقه تحریر الوسیله امام خمینی را قبول کردند و معتقد شدند که این فقه می تواند اقتصاد کشور را مثل جنگ، مثل آموزش و پرورش، سیاست، اخلاقیات و بقیه چیزها اداره کند و آن را پیاده کردند، اقتصاد ما که در حال حاضر بکوری چشم دشمنان داخلی و خارجی در حال این جنگ عظیم روی پای خودش ایستاده، مشکلات معدود باقی مانده نیز مرتفع خواهد شد. یعنی باید رفت و دو زانو در مقابل

## جنبش ۲ بهمن کردستان

سی و نه سال پیش صفحه جدیدی در تاریخ جنبش رهایی بخش خلق کرد گشوده شد. پایان دیکتاتوری رضاخان آغاز تحولی ژرف در جامعه گردید. فضای باز سیاسی که در این رهگذر بوجود آمد موجب شد تا سازمان های سیاسی ملی و دمکراتیک پاکبیرند و افکار آزادیخواهان و حق طلبان در سراسر کشور بسط و گسترش یابد.

روز ۲ بهمن ۱۳۲۴ در شهر مهاباد در یک مینینگ ۲۰

هزار نفری که به ابتکار و تحت رهبری حزب دمکرات کردستان برگزار شده، طی قطعنامه ای تشکیل حکومت خودمختار کردستان در چارچوب ایران اعلام گردید و قاضی محمد صدر حزب دمکرات کردستان به ریاست این حکومت برگزیده شد. نهضت ۲ بهمن یک تحول بنیادی در تاریخ خلق کرد بود، زیرا که تحولات کیفی ذیل را در تاریخ کردستان بوجود آورد.

بقیه در صفحه ۲

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل

نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## جنبش ۲ بهمن کردستان

بقیه از صفحه ۱

برخلاف کلیه نهضت‌های سابق کردستان ایران نهضت ۲ بهمن تحت رهبری و سازمان‌دهی یک حزب انقلابی دمکراتیک، یعنی حزب دمکرات کردستان بوجود آمد و پیروز شد.

این نهضت نمایندگان خلق را در صف مقدم مبارزه وارد کرد و مسئله ملی خلق کرد را مانند جزئی از نهضت انقلابی و دمکراسی سرتاسر ایران و تابعی از این نهضت مطرح و در محدوده منافع عمده این نهضت حل کرد.

حکومت خودمختار کردستان در فاصله زمانی کوتاه، یعنی طی یازده ماه موجودیت خود گام‌های بلند و محسوسی در راه بهبود وضع مادی، معنوی و فرهنگی خلق کرد برداشت.

نهضت کردستان و آذربایجان راه را برای تعمیم دمکراسی در سراسر ایران بازمی‌کردند. لیکن امپریالیسم که چنین واقعه‌ای را مساوی با ازدست دادن سرتاسر خاورمیانه و نزدیک می‌شمرد، باردیگر دست به کار شد. ارتجاع داخلی و عمال امپریالیسم از برجسب تجزیه طلبی به منظور فراهم آوردن شرایط سرکوب جنبش خلق کرد، بهره گرفتند. صدها نفر از انقلابیون کرد بدست اوپاشان شاه به قتل رسیدند و با اعدام فرزند رشید خلق کرد قاضی محمد و یارانش باردیگر کردستان را به گورستان مبدل ساختند.

ولی مردم کردستان حتی در شرایط ترور و اختناق رژیم شاه پرچم مبارزه را بر زمین نگذاشتند و نقش بسزایی در نهضت انقلابی و پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ ایفا کردند. خلق کرد به حق امیدوار بود که حاکمیت جدید با به رسمیت شناختن حق خودمختاری در چارچوب ایران واحد، به آرزوی دیرین او جامه عمل بپوشاند. ولی سران ج.ا. علی‌رغم وعده‌هایی که داده بودند، جنگ برادرکشی را در کردستان دامن زدند. آنها بجای رفع تبعیض که وعده می‌دادند با اعلام "جهاد اکبر" مرگ و ویرانی و درگیری برای خلق کرد به ارمان آوردند و جنگ ناخواسته را به این مردم ستم‌دیده تحمیل کردند.

اعلامیه ۲۶ آبان ۱۳۵۸ رژیم ج.ا. که در آن بنام "اسلام بزرگ" متعهد شدند خواسته‌های برحق و عادلانه مردم مقاوم کردستان را برآورده سازند، سند محکومیت روحانیون حاکم است. در این پیام گفته می‌شد: "اسلام بزرگ همه تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی که متعلق به تمام قشرهای ملت است منجمله برادران کرد که ج.ا. موظف و متعهد به تامین آن در اسرع وقت می‌باشد و مقررات و قوانین مربوط به آن بزودی انشاء الله تعالی تقدیم می‌شود."

"متعهدان به اسلام بزرگ" بسان همه سیاست بازان فریبکار نیروهای سرکوبگر خود را به کردستان گسیل داشتند و هزاران کودک و زن و پیر

## شاعر

وقتی که چتر ترس گشوده ست روی شهر  
دلهره ست آنکه بدر می زند مدام  
نازکتر اش خورده ترین طبع آدمی  
شاعر،  
آئینه وجود، چه تصویر افکند؟

از خیل زندگان  
وقتی گرسنگی است که فریاد می کشد:  
مادر امن نان می خواهم  
شاعر، گرسنه روح ترین گرسنگان  
در کوچه‌های فقر چه بانگی بر آورد؟

وقتی که بوسه مژه باروت می دهد  
و جنگ، جنگ، جنگ  
سیراب می کند مزارع بی مانتاب را  
از جو بهار خون،  
شاعر که جنگجوی ترین فرد آدمی است  
چه جنگی بپا کند؟

وقتی که دست خسته آزادی  
روز نجات را  
خط می کشد هماره بدبوار حبس خویش  
شاعر

آزادتر خلابی  
باید چه حک کند  
بر گرده زمان؟

ای دوست داشتن!  
پنهان ترین بهار  
آتش بکش زبانه بکش گل کن عاقبت  
باشد بوی تو  
باردگر صبورترین مرغ این جهان  
آواز بر کند!

## سپاوش کسراسی

و جوان را به هلاکت رسانده و دهها شهر و روستا را با خاک یکسان ساختند. سران خیانت پیشه ج.ا. نیز همچون اسلاف تبه‌کار خود از تاریخ پند نگرفتند و درک نکردند که مردمی را که بخاطر حقوق انسانی خود می‌رزمند نمی‌توان با قتل و کشتار مرعوب ساخت. خلق کرد تحت رهبری حزب دمکرات کردستان به مبارزه در راه احقاق حقوق خود ادامه می‌دهد. مردم کردستان اندرزگرانه‌های تاریخ را نیک آموخته‌اند که حق گرفتنی است، نه دادنی و آنها هیچگاه به وعده‌های حکام ارتجاعی در هر لباسی، باور نخواهند کرد.

ما در این روزهای تاریخی، ضمن گرامیداشت خاطره شهدای راه آزادی و عدالت اجتماعی کردستان به همه رزمندگان راستین خلق کرد، درود می‌فرستیم ●

## چه کسانی بر ایران اسلامی حکومت می‌کنند

بقیه از صفحه ۱

آلات بی اراده و بی مغز. همین‌ها هستند که در اجرای فرامین غیرمعتول و هلاکت‌ناوار صادره از "پالا" پنجال است که در چپه یک جنگ بی فرجام، خون صدها هزار نفر را پخاک ریخته‌اند و خون صدها هزار نفرشان پخاک ریخته است. همین‌ها هستند که له له زنان پادهان کف کرده عریده می‌کشند: "جنگ، جنگ، تا پیروزی"، و یک لحظه فکرش را نمی‌کنند که چرا می‌جنگند، بخاطر که می‌جنگند، چه هدفی دارند... اینها به آنها مربوط نیست. همانطور که اراده اقتصاد کشور به آنها مربوط نیست. تفکر در این مسائل و اصولاً همه مسائل از حیثه صلاحیت آنها خارج است، همه مربوط به فقه اسلامی است و فقه اسلامی ملک طلق تنی چند از فقهاست که ماموریت دارند، خون چهل میلیون انسان را در شیشه کنند و داروندار او را برپا دهند.

وزیری که ترهات پالار بیان می‌کند، تنها نیست، او نمونه ایست از وزراء، وکلا، سفرا، قضات و رجال سیاسی جمهوری اسلامی ایران. این همان حکومتی است که سفیرش در سازمان ملل متحد می‌گوید: "نظام سیاسی جدیدمانه دمکراسی است، نه سوسیالیسم، نه تئوکراسی یا خودمختاری... بلکه نظام سیاسی ویژه ایست که برای ما کاملاً شناخته شده است و احتمالاً برای ادبیات سیاسی شرق و غرب هم ناشناس است. ما نام این رژیم را "مونوکراسی" (۱۱) یا حکومت خدای یگانه می‌نامیم..."

وقتی انسان این اراجیف را می‌خواند، واقعاً دچار تعجب می‌شود. در حقیقت وزیر و سفیر هر دو یک حرف را می‌زنند، با این تفاوت که وزیر آدم ساده ایست که مشت خود را صاف و بی‌ریا باز می‌کند، ولی سفیر که رند طرار ایست سعی می‌کند با پناه بردن به اصطلاحات و کلماتی که معنی آنها را نمی‌داند، برای رژیم ولایت فقیه محمل سیاسی و اجتماعی پیدا کند. به اعتقاد این شخص رژیم ایران "مونوکراسی" نام دارد، ولی مونوکراسی را "حکومت خدای یگانه" معنی می‌کند. این سفیر بی‌تدبیر نمی‌داند، که حکومت خدائی تئوکراسی نام دارد، یعنی همان چیزی که آن را رد می‌کند و مونوکراسی که آن را می‌پذیرد، یعنی حکومت فردی، یعنی همان چیزی که الان در ایران وجود دارد و زعمای رژیم آنرا انکار می‌کنند. ما قصد نداریم با سفیر جمهوری در سازمان ملل بحث لغوی کنیم. اصولاً با اینگونه سفیهان هرگونه بحثی بی‌جاست. دوران بحث با اینها گذشته است. اینها نشان داده‌اند که از چه قماشند، چگونه می‌اندیشند، چگونه عمل می‌کنند و به کجا می‌روند. با اینها باید مبارزه کرد.

باید برای پایان دادن به این تراژدی عظیم که در کشور ما می‌گذرد، همه نیروهای میهن پرست و ترقیخواه متحد شوند و مبارزه کنند. جز این راهی نیست ●

بمناسبت چهل و پنجمین سال شهادت دکتر تقی ارانی (۱۲۸۱-۱۳۱۸)

## دکتر تقی ارانی: فرزانه انقلابی و چهره تابناک جنبش کارگری و کمونیستی ایران



آن پس با تمام نبوغ و دانش سترگ خود برای پراکندن خوشه‌های اندیشه انقلابی در بین توده‌های مردم تلاش ورزید.

در سال ۱۳۰۶، دومین کنگره حزب کمونیست ایران ("کنگره ارومیه") توانست مبارزه گروه‌های داخلی حزب را جمع بندی کند و در کالبد فعالیت‌های سازمانی و تبلیغاتی حزب جان تازه‌ای بدمد. در آن زمان مجله "ستاره سرخ" و سپس روزنامه‌های "پیکار"، "نهضت" و "برق انقلاب" بعنوان ارگان مطبوعاتی حزب در آلمان انتشار می‌یافت و ارانی تا هنگام مراجعتش به ایران با روزنامه "پیکار" و "نهضت" همکاری داشت.

ارانی در سالهایی به ایران بازگشت که رضاخان، این سرسپرده امپریالیسم انگلیس و سپس فاشیسم آلمان، با تصویب "قانون سیاه" (۱۳۱۰) و یورشهای پیاپی به جنبش کارگری کمونیستی پایه‌های دیکتاتوری خویش را در خون بهترین فرزندان خلق ایران استوار می‌ساخت. پس از بازآمدن به میهن، ارانی ابتدا به آموزش علوم فیزیک و شیمی در دبیرستان‌های تهران پرداخت. پس از چندی به ریاست اداره تعلیمات منصوب شد که تا روز بازداشت در آن سمت باقی بود. در سال ۱۳۱۲ برای پیشبرد امر تبلیغ اندیشه‌های علمی و آگاهی‌بخش و سازمانگری پیروان مارکسیسم-لنینیسم در ایران امتیاز مجله "دنیا" را دریافت کرد و به یاری جمعی از همزمانش به انتشار آن پرداخت. مجله "دنیا" نخستین نشریه‌ای بود که به ترویج علمی جهان بینی علمی و شالوده‌توریک آن یعنی فلسفه مارکسیستی مبادرت می‌ورزید.

"دنیا" تا اواسط سال ۱۳۱۴ رویه‌مرفته ۱۲ شماره منتشر شد. مرکز انتشار "دنیا"، به مرکز سازمانی هواداران راه صلح و سوسیالیسم نیز تبدیل گردید. از سال ۱۳۱۳، برپایه تصمیم رهبری کمونیستهای ایرانی در مهاجرت، دکتر ارانی، عضو هیئت سه نفری مسئول احیاء فعالیت سازمانی و مجله دنیا از شماره ششم) از جانب رهبری حزب کمونیست، بی آنکه رسماً اعلام شود به عنوان ارگان حزب کمونیست ایران پذیرفته شد.

در نتیجه فعالیت‌های دکتر ارانی و یارانش در سالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۴، چندین اعتصاب در دانشکده‌های تهران علیه حکومت ترور و خفقان رضاخانی روی داد، که اهمیت خاصی داشت. در سال ۱۳۱۴ وزارت فرهنگ از انتشار مجله "دنیا" جلوگیری بعمل آورد. ولی عدم انتشار "دنیا" به قطع رشته فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و سازمانی ارانی و یارانش نینجامید. پلیس رضاخانی که برپیکرد خود علیه مبارزه دانشجویان افزوده بود، اوایل سال ۱۳۱۵ عده‌ای را دستگیر و زندانی کرد و سرانجام توانست ارانی و گروهی از همزمانش را نیز بازداشت و زندانی کند. این خیل بازداشت‌شدگان به "گروه ۵۲ نفر" مشهور شدند.

روز ۱۴ بهمن، روز شهادت دکتر تقی ارانی یکی از تابناکترین چهره‌های جنبش کارگری و کمونیستی ایران، روز شهیدان حزب و جنبش انقلابی مردم و روز گرامیداشت خاطره الهامبخش پیکارگران در خاک و خون خفته راه آزادی و استقلال ایران است. چهل و پنج سال پیش در چنین روزی قلب پرشور آموزگار زحمتکش ایران بدست دژخیمان حلقه بگوش ارتجاع و امپریالیسم درسیاهچال‌های رضاخان قلدر از تیش بازایستاد. رضاخان، سرسپرده مهرو نشان دار امپریالیسم از آن روزه زندگی دکتر ارانی پایان داد که در کانون هستی پر عظمت او و اندیشه‌های دورانسازش مرگ خویش و نظام ستمگرش را می‌دید. عشق کاستی‌ناپذیر به زحمتکش و کینه سوزان طبقاتی نسبت به بهره‌کشان و استعمارگران، اعتقاد پولادین به حقانیت حزب طبقه کارگر و انترناسیونالیسم پرولتری، و پیوند این خصایل بارز انقلابی با استعداد شگرف و نبوغ آسای علمی و نظری و قدرت سرشار سازمانگری از ارانی یک رهبر پیکارجو و آموزگار شایسته زحمتکش ایران بوجود آورد.

سراسر زندگی کوتاه ارانی جز خدمت پاکبازانه در راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکش و عدالت اجتماعی نیست.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و شکوفایی جنبش‌های آزادیبخش خلق‌های ایران (انقلاب‌های کیلان، آذربایجان، خراسان) در سالهای ۱۲۹۶-۱۳۰۰ در وجود ارانی جوان شجاری از شور و آگاهی و انگیزه مبارزه جویی ایجاد کرد. ارانی در هیجده سالگی همدوش توده‌های محروم در نمایش‌های اعتراض آمیز علیه قرارداد اسارت بار ۱۲۹۸ که وثوق الدوله با انگلستان امضاء کرده بود، شرکت جست. در سال ۱۲۹۹ وارد دانشکده پزشکی تهران شد. در سال ۱۳۰۱ برای ادامه تحصیل عازم آلمان و سال بعد وارد دانشکده فلسفه دانشگاه برلین شد. در آن زمان جنبش انقلابی طبقه کارگر آلمان در حال اوج گیری بود و ارانی، به سبب تنگناهای مالی برای ادامه تحصیل در چاپخانه مجله "کاوه" که از سوی دمکراتها و سوسیال دمکراتهای مهاجر ایرانی در برلین منتشر می‌شد، سرگرم کار گردید. در این دوران او از نزدیک با زندگی طبقه کارگر و اندیشه‌های مارکسیسم-لنینیسم آشنا شد.

در سال‌های تحصیل در دانشگاه برلین، ارانی به عضویت "جمعیت مبارزه علیه دیکتاتوری" که بوسیله ایرانیان مهاجر بخاطر مبارزه علیه تدارک دیکتاتوری رضاخان تشکیل شده بود، درآمد. در جریان مبارزات ضد دیکتاتوری با کمونیست‌های نامداری همانند مرتضی علوی، نیک بین، سلطان زاده آشنا شد. این رفاقت‌ها نقش قاطعی در مسیر آینده زندگی او ایفا کرد. ناجایی که ارانی در راه پاسداری از منافع کارگران و زحمتکش‌ها به حزب طبقه کارگر ایران پیوست و از

ارانی در زندان نیز به مظهر شجاعت و پایداری و قهرمانی تبدیل شد و کینه حیوانی دستگاه حکومتی رضاخان را نسبت به خود برانگیخت.

در بیدادگاهی که در آبانماه ۱۳۱۷ برگزار شد، دکتر ارانی در دفاع تاریخی شش ساعته خود در واقع رژیم خودکامه رضاخان را به محاکمه کشید و با شهادت غرور آمیز و سرافرازی بایسته یک کمونیست از اندیشه‌های علمی و آزادیخواهانه خود به دفاع برخاست. او گفت:

"چطور می‌توان عقایدی را قذغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشری شروع شده در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه‌های کاملاً علمی و منطقی اظهار نظر می‌نمایند..."

ارانی با زدن داغ تنگ و نفرت ابدی بر پیشانی "قانون‌های سیاه"، حکم تاریخی درخشانی را اعلام داشت:

"فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع توده‌ها باشد."

دستگاه قضایی رضاخان ارانی و یارانش را به جرم خواندن کتاب و ترجمه آثار علمی به حبس‌های گوناگون، تا ۱۰ سال زندان محکوم ساخت. ولی آن روح پرتب و تاب و مقدسی که سخنان زیر در هر لحظه از زندگی و عملش درمی‌آمیزد، هیچ‌گاه و هیچ‌جا خواه در آزادی یا زندان آرامش نمی‌پذیرد. ارانی رسالت خود و یاران همدلش را می‌داند که چنین می‌گویند:

"جریان تاریخ شط مقدس و روشنی‌ست که به دریای تکامل می‌ریزد. بگذارت در این شط مقدس از قطراتی باشیم که به دریا مهربزنده زانهاپی که در لجن‌کناره، آلوده و گندیده می‌شوند."

ارانی زندگی را در لحظه لحظه اش، پیوندگی درنگ ناپذیر و رزم ناپذیر در برابر نیروهای بازدارنده می‌بیند. ارانی زندان را نیز به رزمگاه تبدیل می‌کند تا خود پسان زلال‌ترین و پر تلاوت‌ترین "قطره‌ها" به دریای تکامل بشری بریزد.

ارانی چون تک ستاره رهنمای نورانی در آسمان قیرفام حکومت خودکامه رضاخان درخشید و از بقیه در صفحه

## اعلامیه دومین کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری منطقه مدیترانه خاوری، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ

در روزهای ۱۰-۱۲ ژانویه، به ابتکار و دعوت حزب ترقیخواه زحمتکشان قبرس (اکل) و حزب کمونیست یونان، دومین کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری منطقه مدیترانه خاوری، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ در نیکوزیا تشکیل شد. در این کنفرانس وضع سیاسی - اجتماعی منطقه و اوضاع جهان در محیطی پرتفاهم و دوستانه مورد بحث و گفتگو و مذاکره قرار گرفت. در این کنفرانس نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز شرکت داشت و نظریات حزب را در مورد مسائل ملی و بین‌المللی، با اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس رساند. متن سخنرانی نماینده حزب توده ایران را در شماره گذشته "نامه مردم" با اطلاع خوانندگان رساندیم. اکنون اعلامیه پایانی کنفرانس را منتشر می‌کنیم.

کنند و از تصمیماتی که برای دفاع از خویش، بالاچار اتخاذ کرده‌اند پشتیبانی می‌کنند. هدف این تصمیمات آن بوده است که ایالات متحده را از احراز برتری نظامی و نقض اصل امنیت متقابل و متساوی بازدارند. آنها همچنین ابتکارات سایر کشورهای صلحجو، شخصیت‌ها و جنبش‌هایی را که خواستار پایان دادن به تسلیحات اتمی و هوادار خلع سلاح کامل و جامع هستند تأیید می‌کنند. آنها از ایجاد مناطق غیر اتمی در منطقه بالکان، مدیترانه و خاور نزدیک و سایر مناطق پشتیبانی می‌کنند.

احزاب کمونیست و کارگری شرکت‌کننده در کنفرانس بر آنند: حوادثی که در هر یک از کشورهای منطقه وقوع می‌یابد، یا حوادث بزرگ تری که در جهان روی می‌دهد، پیوند نزدیک دارد. مردم کشورهای منطقه، با یک سلسله مسائل عمومی روبرو هستند، که بر اثر دسائس امپریالیسم بوجود آمده‌اند و هدف آنها نوسازی و تحکیم مواضع امپریالیسم در این منطقه حساس ژئوپلیتیک است. سیاست امپریالیست‌ها در پدیده‌های زیرین انعکاس می‌یابد:

- بسط اتحاد استراتژیک میان ایالات متحده آمریکا و اسرائیل،  
- تشویق مهاجمین اسرائیلی به ادامه اقدامات تهاجمی، تهدید سوریه به تهاجم نظامی. مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا دولت‌های ناتو در لبنان، تلاش شدید برای ادامه مشی کمپ دیوبند و نقشه ریگان، بمنظور تحمیل سرکردگی ایالات متحده و اسرائیل بر منطقه و برپادادن آرمان بحق خلق فلسطین،  
- تشدید تلاش برای تبدیل قبرس به یک ناو هوایی با برقراری نشدنی برای ناتو در منطقه و ایجاد پایگاه‌های هوایی، دریایی و موشکی در شمال قبرس و پذیرش دولت دنکناش که گام تازه‌ایست در راه تقسیم قبرس؛

- بسط و تحکیم پایگاه‌های ایالات متحده در منطقه. ایجاد "نیروهای واکنش سریع" و اجرای مداوم تمرینهای نظامی بوسیله آن و همچنین ایجاد "مرکز فرماندهی ایالات متحده" در منطقه. حصول توافقهای نظامی محلی در زمینه ایجاد نیروهای مداخله‌گر،  
تهدید و توطئه بر ضد آن کشورهای منطقه که خود را از سلطه امپریالیسم نجات داده‌اند و همچنین تلاش برای ایجاد اختلال در زندگی آنها و صدور ضد انقلاب به آنها. برانگیختن آتش جنگهای محلی، جنگها و تصادمات داخلی،

- تشویق رژیم فاشیستی ترکیه به توطئه و تحریک و تقویت نقش آن در نقشه‌های امپریالیستی در منطقه. کمک همه جانبه به رژیم‌ها و نیروهای ارتجاعی در منطقه و تقویت آنها؛  
- تبدیل پاکستان - که زیر سلطه یک رژیم نظامی قرار دارد به یک سرریل بزرگ برای امپریالیسم آمریکا و اجرای توطئه‌ها و مداخلات دائم بر ضد کشورهای منطقه بویژه بر ضد جمهوری دمکراتیک افغانستان؛

- علیرغم تشدید حملات امپریالیسم،

از جمله مداخله نظامی، کوشش برای جدا کردن آنها از متحدین طبیعیشان، یعنی اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی؛

- تحکیم سرکردگی ایالات متحده در جهان سرمایه‌داری، خنثی ساختن هرگونه گرایش برای گریز از مرکز، تقویت پیمان آتلانتیک شمالی و سایر پیمانهای امپریالیستی،

- ولی علیرغم این واقعیت، که پس از جنگ دوم جهانی، هیچگاه صلح جهانی مانند امروز مورد مخاطره نبوده است، باید متذکر بود که تنش‌زدایی ریشه‌های نیرومندی دارد. نیروهای صلحخواه، یعنی کشورهای جامعه سوسیالیستی که اتحاد شوروی در رأس آن قرار دارد، جنبش طبقه کارگر، جنبش آزادی بخش ملی و جنبش ضد جنگ و هوادار صلح در سراسر جهان، روز بروز نیرومندتر میشوند و خود را برای عقیق ساختن نقشه‌های تبهکارانه امپریالیسم مجهزتر می‌کنند. حتی پایه‌ای از محافل حاکم کشورهای سرمایه‌داری، بانگ‌رانی و ناخشنودی در قبال سیاست ماجراجویانه ایالات متحده، عکس‌العمل نشان می‌دهند.

شرکت کنندگان در کنفرانس متذکر می‌گردند که:

- مهمترین مسئله دوران ما جلوگیری از جنگ، پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و مبارزه در راه خلع سلاح و در درجه اول خلع سلاح اتمی است،  
- مسئله صلح بطور مستقیم با حل مسائل اجتماعی - اقتصادی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان پیوند دارد؛

- تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز شرایط مساعدتری برای مبارزه خلقها در راه تحصیل منافع حیاتی‌شان فراهم می‌آورد؛

- شرکت کنندگان در کنفرانس مصممند که همراه سایر نیروهای ترقیخواه، دمکراتیک و صلحجوی کشورهای خود، برای جلوگیری از نظامی کردن فضای کیهانی، برای متوقف ساختن استقرار موشکهای پرشینگ ۲ و کروز در اروپای غربی و برای برچیدن موشکهای استقرار یافته، برای جلوگیری از وقوع یک فاجعه اتمی که بشریت را تهدید میکند و برای بازگشت به سیاست تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت‌آمیز، مبارزه خود را به حداکثر تشدید کنند. از این روست که آنها ابتکارات صلحجویانه اتحاد شوروی و سایر اعضای پیمان و زشورا تأیید می‌کنند.

نمایندگان حزب دمکراتیک خلق افغانستان، جنبش آزادی بخش ملی بحرین، حزب اکل قبرس، حزب کمونیست مصر، حزب کارگری اتیوپی، حزب کمونیست یونان، حزب توده ایران، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست فلسطین، حزب کمونیست عربستان سعودی، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست ترکیه و سایر احزاب کمونیست و کارگری منطقه مدیترانه خاوری، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ، در ژانویه ۱۹۸۵ در نیکوزیا گرد هم آمدند و مسائل منطقه را مورد بررسی قرار دادند.

احزاب کمونیست و کارگری منطقه بانگ‌رانی ویژه به این نتیجه رسیدند که تحول حوادث در مقیاس جهانی و در مقیاس منطقه با شتاب تمام صورت بسیار خطرناکی می‌گیرد. از تاریخ برگزاری کنفرانس ۱۹۸۱ احزاب مذکور، حوادث مهمی بقرار زیر رویداده است:

هجوم اسرائیل - آمریکا علیه لبنان و تشدید مداخلات امپریالیستی و حضور نظامی آن در منطقه، هجوم امپریالیسم ایالات متحده به گرنادا، فعالیت‌های مداخله‌جویانه علیه نیکاراگوئه و علیه خلق السالوادور و تهدید کوبا، گردآوری نیروهای نظامی در خلیج فارس و اقیانوس هند؛ تهیه سلاح‌های هسته‌ای بوسیله رژیم‌های ارتجاعی آفریقای جنوبی، اسرائیل، پاکستان؛ استقرار موشک‌های هسته‌ای ایالات متحده، پرشینگ ۲ و کروز در اروپای غربی و تشدید مسابقه تسلیحاتی بوسیله ایالات متحده و گسترش آن به فضای کیهانی در اجرای جنگ ستاره‌ها؛ اینها حوادثی است که بشریت را بازم به پرتگاه یک جنگ نابودکننده هسته‌ای نزدیک ترمی‌کنند.

احزاب کمونیست و کارگری منطقه تأکید می‌کنند که تنها مسئول چرخش بسوی جنگ سرد در مناسبات بین‌المللی امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا است. هدفهای آن عبارتند از:

- تلاش آشکار برای برهم زدن تعادل موجود قوا و کوشش برای احراز برتری استراتژیک نظامی در قبال اتحاد شوروی، بمنظور استقرار تسلط بر جهان؛

- ضربه زدن بر جنبشهای آزادی بخش ملی و حکومت‌های ترقیخواه، با استفاده از تمام وسائل و

## اعلامیه دومین کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری ...

صیہونیسیم و ارتجاع و باوجود مشکلات ناشی از بغرنجی حوادث، جنبش های آزادی بخش ملی در منطقه به رشد خویش ادامه داده اند، نقش پیشاهنگ طبقه کارگر و احزاب آن به جنبش های خلقی و آزادی بخش محتوا و سمت ضد امپریالیستی می دهد. نبرد بر ضد امپریالیسم، بر ضد رژیم ها و نیروهای ارتجاعی، بخاطر استقلال ملی، دمکراسی و رشد اقتصادی و ترقی اجتماعی گسترش می یابد.

رژیمهای انقلابی در افغانستان، اتیوپی و جمهوری دمکراتیک خلق یمین بیش از پیش تحکیم می شوند و گامهای مهمی در راه پایان رساندن مرحله ملی-دمکراتیک و در جهت سوسیالیسم بر میدارند.

نیروهای میهن پرست در لبنان، با پشتیبانی نیروهای ضد امپریالیست عرب و بین المللی، با عقیم ساختن موافقت نامه مورخ ۱۷ ماه مه ۱۹۸۲ لبنان - اسرائیل و با بیرون راندن نیروهای آمریکا و ناتو، پیروزی بزرگی بدست آوردند. آنها وحدت عمل خود را تحکیم می بخشند و مقاومت مسلحانه خود را در قبال اشغالگران اسرائیلی و مداخله جویان آمریکایی شدت می دهند و گامهای بزرگی در راه خنثی کردن نقشه های امپریالیستی، صیہونستی و ارتجاعی بر می دارند.

کمک های همه جانبه مادی، سیاسی و معنوی کشورهای جامعه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی به رژیم های میهن پرست، انقلابی و خلقی و به جنبش های توده ای و آزادیبخش ملی، واجد اهمیت شایان برای استقلال و حاکمیت ملی، و برای رشد اجتماعی - اقتصادی و برای صلح و امنیت کشورهای منطقه است.

احزاب کمونیست و کارگری شرکت کننده در کنفرانس، سیاست اشغالگران اسرائیل را در لبنان قویا محکوم می کنند. آنها همبستگی فعال خود را با حزب کمونیست لبنان و با "جبهه ملی مقاومت لبنان" و سایر نیروهای دمکراتیک که برای خروج فوری، کامل و بی قید و شرط قوای اسرائیل از جنوب لبنان و برای حفظ استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی لبنان و وحدت خلق آن و هویت عربی و رشد دمکراتیک آن مبارزه می کنند، ابراز می دارند.

شرکت کنندگان در کنفرانس همبستگی فعال خود را با سوریه که ممصمانه در قبال تهدیدات و فشارها و توطئه های امپریالیسم، صیہونیسیم و ارتجاع عرب مقاومت می کند، ابراز می دارند.

شرکت کنندگان در همان حال همبستگی خود را با حزب کمونیست فلسطین، با خلق عرب فلسطین و نماینده منحصر و قانونی آن، "ساف" مورد تاکید قرار می دهند. آنها لزوم حفظ وحدت و استقلال "ساف" و مشی ضد امپریالیستی آن، تشدید مقاومت در قبال هرگونه تحمیل راه حل های تسلیم طلبانه به آن، از راه قبول موافقت نامه های عدن و الجزیره و قطعنامه های شورای ملی فلسطین، بویژه قطعنامه های شانزدهمین اجلاس آن، خاطر نشان می سازد. آنها پشتیبانی خود را از

مقاومت فلسطینی ها در سرزمین های اشغالی ابراز می دارند.

شرکت کنندگان در کنفرانس همبستگی خود را با حزب کمونیست اسرائیل، با "جبهه دمکراتیک برای صلح و همبستگی" و با سایر نیروهای صلحجوی اسرائیل در مبارزه علیه سیاست تهاجمی اسرائیل و بخاطر یک راه حل عادلانه و صلحجویانه برای مسئله فلسطین و برای استقرار صلح همه جانبه در منطقه، مورد تاکید قرار می دهند.

حل مسئله خاور میانه و حصول یک صلح عادلانه، همه جانبه و پایدار در این منطقه مستلزم آنست که نیروهای اسرائیلی از تمام سرزمین های عربی که در سال ۱۹۶۷ مورد اشغال قرار گرفته اند خارج شوند و تمام شهرک های اسرائیلی که در این مناطق بوجود آمده اند، برجچیده شوند و حقوق ملی خلق عرب فلسطین شناخته شود و بالاتر از همه، حق آنها برای تعیین سرنوشت خویش، ایجاد یک دولت مستقل ملی در سرزمین فلسطین و همچنین به حق تمام کشورهای منطقه برای داشتن استقلال و برخورداری از یک زندگی صلحجویانه در داخل مرزهای امن از نظر بین المللی شناخته شده، مورد احترام قرار گیرد. آخرین پیشنهادهای اتحاد شوروی برای حل و فصل بحران خاور میانه، از راه دعوت یک کنفرانس بین المللی، قدم قاطعی است در این راه.

ادامه جنگ عراق - ایران تنها به نفع امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی دو کشور در منطقه است. قطع فوری جنگ میان ایران و عراق یک امر عاجل است، و حل اختلافات میان دو کشور با استفاده از طرق صلح آمیز بر اساس احترام متقابل و رعایت استقلال و حاکمیت ملی دو کشور، طبق موازین حقوق بین الملل امکان پذیر است. نقل و انتقالات اخیر واحدهای ناوگان آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی در مناطق خلیج فارس و دریای سرخ و همچنین تشدید تضيیقات ضد خلقی و ضد دمکراتیک برخی از کشورهای ساحل خلیج، با استناد وجود جنگ، ضرورت پایان دادن به این جنگ را بیش از پیش به یک امر عاجل مبدل میکند.

عقب نشینی ناوگان امپریالیستی از منطقه خلیج فارس و دریای سرخ و شبه جزیره عربستان و برجچیدن پایگاههایی که در این منطقه ایجاد شده است؛ احترام به استقلال و حاکمیت ملی و سیاست عدم تعهد کشورهای این منطقه و پائین آوردن هزینه های عظیم نظامی آن ها، به رشد اقتصادی و تکامل این کشورها و به ختم تشنجات در منطقه و تبدیل آن به یک منطقه صلح و امنیت، کمک خواهد کرد.

پیشنهاد دائر بر تبدیل اقیانوس هند به منطقه صلح، پیشنهادیست بموقع. در این رهگذر، اقداماتی که در چارچوب سازمان ملل متحد بعمل آمده است و پیشنهادی که در آخرین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد، برای دعوت کنفرانس سران کشورهای منطقه اقیانوس هند بتمصیوب رسیده است، بویژه واجد اهمیت است. نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری تشکیل

غیرقانونی دولت ترک نشین قبرس را و همچنین مبتکرین و هواداران این عمل شوونیستی - امپریالیستی را محکوم می کنند. ایجاد پایگاههای بزرگ نظامی در بخش اشغالی قبرس برای نیروهای واکنش سریع از نظر آنها محکوم و مردود است. آنها مذاکرات قریب الوقوعی را که زیر نظارت دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد شد و همچنین مساعی دبیر کل را برای حصول یک توافق جامع در مورد قبرس در مذاکراتی که در عالی ترین سطح در ۱۷ ژانویه، بر اساس قطعنامه های سازمان ملل متحد انجام خواهد شد تأیید می نمایند. آنها از مبارزه آکل و مردم قبرس در راه استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی قبرس و ایجاد یک قبرس فدرال، غیر متعهد و کاملاً غیر نظامی، خالی از نیروها و پایگاه های بیگانه حمایت می کنند.

شرکت کنندگان در کنفرانس تحریکات محافل شوونیستی ترک و امپریالیسم ایالات متحده را در اژه محکوم می کنند و معتقدند که اختلافات میان یونان و ترکیه باید سریعاً بطریق مسالمت آمیز، طبق اصول حقوق بین المللی، بر اساس اعلامیه پایانی هلسینکی، منشور ملل متحد و احترام به استقلال، حاکمیت ملی، و تمامیت ارضی طرفین و دور از هرگونه مداخله و داوری امپریالیستی فیصله یابد.

دست یابی اسرائیل به سلاحهای اتمی و استقرار موشکهای اتمی آمریکا در کومیسور سیسیل، عاملی است که موجب تشدید تشنج است و خطری مستقیم برای کشورهای منطقه و ما و راه آنها بشمار می آید. شرکت کنندگان در کنفرانس طلب می کنند که موشکهای اتمی آمریکا از منطقه برجچیده شوند و اسرائیل به تولید سلاحهای اتمی پایان دهد و قرار داد مبنی بر عدم تولید سلاحهای اتمی را امضاء کند.

شرکت کنندگان در کنفرانس مبارزه نیروهای صلحجو در منطقه مدیترانه را تأیید می کنند و اهمیت مبارزه برای خارج کردن سلاحهای اتمی ضربه اول و سایر سلاحهای اتمی آمریکا از اراضی کشورهای غیر اتمی و همچنین برجچیدن تمام پایگاه ها و تاسیسات نظامی را در منطقه متذکر میشوند. آنها خواستار تبدیل دریای مدیترانه به یک دریای صلح یابنده و امنیت و همکاری میان ملل همجواری هستند. از این رو هوادار تحق پیشنهاد پیمان ورشو مبنی بر خروج ناوهای بزرگ مجهز به سلاحهای اتمی از مدیترانه میباشند.

شرکت کنندگان تحریکات، تهدیدات و مداخلات امپریالیستی علیه لیبی، آنکولا، موزامبیک، نیکاراگوئه و السالوادور را محکوم می کنند و همبستگی کامل خود را با خلقهای این کشور و تمام رژیمهای انقلابی و میهن پرست و جنبش های آزادیبخش ملی، ضد تبعیض نژادی و ضد استبدادی آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین اعلام می دارند.

شرکت کنندگان فجایع نیروهای اشغالگر اسرائیل را در اراضی اشغالی در لبنان، فلسطین و اراضی اشغالی سوریه و بلندی های جولان محکوم می کنند. آنها رشد فعالیت های نژادی، و فاشیستی را در اسرائیل محکوم می کنند و طلب می کنند که

## به جنگ امپریالیسم برافروخته باید پایان داد!

بقیه از صفحه ۱

جنگ در نهادها و مؤسسات راتنها با حربه سرکوب و ارباب فروبناشاند. آنها با بهره برداری از باورهای صادقانه مذهبی مردم همچنان به بازار فتواگیری و فتواتراشی رونق تازه ای می بخشند. آقای خمینی فتوا می دهد که مخالفت با جنگ، مخالفت با قرآن است تا صدای اعتراض توده های مردم مسلمان را نسبت به ادامه جنگ خاموش سازد. آقای خمینی برای آنکه "تنور جنگ" را با گوشت و استخوان مردم و به بهای فقر و سیه روزی کارگران و زحمتکشان گرم نگهدارد می گوید: "کسانیکه تبعیتی از قرآن می کنند در نظر داشته باشند که باید تا آنجائی که قدرت دارند ادامه به نبردشان بدهند." (اطلاعات ۲۱ آذرماه ۶۲). بدنیال این سخنان است که گردانندگان امور در جمهوری اسلامی طوطی وار در دولت و مجلس و دیگر نهادهای کشوری و لشکری بانگ تایید دوباره برمی دارند. از جمله آقای نخست وزیر پیرامون سیاست جنگی دولت اعلام می دارد:

"در حال حاضر بر سر این مسئله مصر هستیم و همه توافق داریم" (اطلاعات ۲۵ آذرماه ۶۲) و آقای نبوی می گوید اگر "۱۰۰ امام در رابطه با جنگ حکمی کرده باشند که طبعاً از آن دیگر تخطی جایز نیست." (۲۵ دیماه ۶۲ "جمهوری اسلامی").

در شرایط کنونی، ادامه جنگ برای حاکمیت ج.ا. علی رغم دشواریهای بسیار در زمینه های گوناگون، جنبه حیاتی یافته است. سخنان رفسنجانی، رئیس مجلس، بازتاب گویایی از این حقیقت است. او می گوید: "جنگ هستی ماست." (اطلاعات ۱۱ دیماه ۶۲).

از آن رو ادامه جنگ به شیشه عمر و "هستی" رژیم تبدیل شده است که راستگرایان پشتیبان کلان سرمایه داران و زمینداران بزرگ به دستاویز آن از انجام هرگونه اصلاحات اقتصادی و اجتماعی بسود توده های مردم سرباز می زنند و آزادیها و حقوق دمکراتیک و اعتراضات و گرایشات حق طلبانه مردم ایران را بشدت سرکوب می کنند. بدین ترتیب آنها پایه های حکومت خود را در خون خلق استوار نگه می دارند. طبیعی است که در نتیجه این وضع، موج ناخشنودی و نگرانی گسترده ای جامعه را فرا گرفته است. ولی سران رژیم بدون توجه به خواستها و منافع صلح خواهانه توده های مردم که سنگینی اصلی فشارهای گوناگون اقتصادی و اجتماعی جنگ را بر کرده خویش احساس می کنند، در پشت درهای بسته اطاق های جنگ به تصمیم گیری می پردازند و با کشتار بیرحمانه زحمتکشان مورخ خون براه می اندازند.

در راه اتخاذ تصمیم و سیاستگزاری در مورد روند ادامه جنگ بعد از آقای خمینی که نقش تعیین کننده و منحصر بفردی در حاکمیت ج.ا. دارد، نوبت به "شورای عالی دفاع" می رسد که یگانه کانون نقشه پردازی های جنگی و صدور فرمان

## اعلامیه مشترک

۱- ایران و پاکستان دو کشوری هستند که در آنها

رژیم های خودکامه با شیوه های قرون وسطایی حکومت می کنند و کلیه حقوق و آزادیهای دمکراتیک مندرج در اعلامیه حقوق بشر مصوب سازمان ملل متحد که هردو کشور آنرا امضاء کرده اند، با توسل به ترور و اختناق سبعانه لگدمال می شود.

۲- هردو حزب، زندان و شکنجه و قتل و اعدام اعضای سازمانهای ملی و مترقی و دیگر میهن پرستان را بشدت محکوم می کنند و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی در هردو کشور ایران و پاکستان هستند.

۳- هردو حزب سیاست عمیقاً ضد خلقی رژیم های ایران و پاکستان را علیه خلق ستم دیده بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان قویاً محکوم می کنند. ما از مبارزه خلق بلوچ در چارچوب کشورهای ایران و پاکستان در راه دستیابی به خودمختاری، حقوق ملی و دمکراتیک حمایت می کنیم.

۴- ادامه جنگ ایران و عراق که خسارات عظیم مالی و جانی بهر دو کشور همسایه وارد آورده و میلیونها کشته و معلول و بی خانمان برجای گذارده، فقط به نفع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. ما خواهان پایان دادن سریع جنگ هستیم و معتقدیم که اختلافات بین ایران و عراق می تواند در پشت میز مذاکره بر اساس حفظ تمامیت ارضی دو کشور و صلح عادلانه حل و فصل گردد.

ادامه جنگ موجب تقویت حضور نظامی آمریکادر منطقه گردیده و استقلال کشورهای منطقه را به خطر انداخته است.

ما، خواهان برچیده شدن کلیه پایگاههای آمریکا در سراسر منطقه خاورمیانه و نزدیک و اقیانوس هند هستیم.

۵- هردو حزب، شرکت رژیم های ایران و پاکستان را که همدوش امپریالیسم تجاوزکار

حمله است. عملکرد ضد ملی و خودسرانه "شورای عالی دفاع" به گونه ای است که خود را در بازی با سرنوشت مردم و استقلال ایران، مختار و همه کاره و بی نیاز از توضیح می داند و حتی حاضر نیست که مجلس را رسماً در جریان کار خود بگذارد. به این خاطر و تحت تاثیر تمایلات صلح خواهانه و ناخشنودی گسترده توده های مردم و فعال مایشایی "شورای عالی دفاع"، اکبر حمیدزاده، نماینده "بوشین زهرا" و "اوج" مطرح می کند که:

"مجلس باید در جریان جنگ و خط مشی شورای عالی دفاع قرار گیرد." (اطلاعات ۲۱ آذرماه ۶۲). خواست پایان جنگ، میرم ترین خواست توده های مردم ایران، ماهیتاً با هرگونه تحول و دگرگونی و بهبودی در زندگی اقتصادی- اجتماعی جامعه بسود محرومان و زحمتکشان ایران پیوند دارد. از اینرو افشای گسترده تلاشهای جنگ

آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو در جنگ اعلان نشده علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان شرکت دارند و مخالف مصالح خلقهای کشور ما می باشد بشدت محکوم می کنند.

ما معتقدیم که در پیشنهاد های دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان کلیه شرایط دسترسی به یک راه حل سیاسی از طریق مذاکره با ایران و پاکستان برای پایان دادن به جنگ اعلان نشده، بطور صریح و واقع بینانه انعکاس یافته است.

مردم ایران و پاکستان مصرأ خواستار برچیده شدن پایگاههای خرابکاری "سیا" در ایران و پاکستان علیه خلق همسایه و برادر، افغانستان هستند و می طلبند تا شرایط بازگشت داوطلبانه افغانهایی که به زور و فریب به برون مرزها کشانده شده و در شرایط وحشتناک در ایران و پاکستان زندگی می کنند و فاقد ابتدایی ترین حقوق انسانی هستند فراهم آید.

۶- هردو حزب، تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی ایالات متحده آمریکا و توطئه های واشنگتن و اسلام آباد را علیه کشور هندوستان محکوم می کنند.

۷- هردو حزب، نگرانی عمیق خود را از تشدید وخامت وضع بین المللی که امپریالیسم آمریکا و متحدانش در ناتو مبتکر آن هستند و جهان را بسوی جنگ هسته ای و نابودی سوق می دهند، ابراز می دارند.

مبارزه علیه سیاست مسابقه تسلیحات هسته ای و کشاندن آن به فضای کیهانی که از جانب واشنگتن تعقیب می شود، وظیفه عاجل همه انسانهای آزاده و صلحدوست در سراسر جهان است. ما از پیشنهاد های دولت اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی درباره حفظ صلح جهانی و امنیت بشری و نیز تبدیل اقیانوس هند به منطقه عاری از سلاحهای هسته ای و منطقه صلح، قویاً حمایت می کنیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان

افروزانه و توسعه طلبانه حکام ج.ا. در بین توده های مردم و مبارزه متحد برای پایان بخشیدن به جنگ یکی از مهمترین وظایف بیکارجویانه احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی است.

به این جنگ امپریالیسم برافروخته باید پایان داد ●

### خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

## به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

## اخطار شدید دولت افغانستان به ایران

به گزارش خبرگزاری باخترا، در روز ۱ ژانویه یک فروند هواپیمای ایران به حریم هوایی جمهوری دموکراتیک افغانستان تجاوز کرد. هواپیمای متجاوز که از فرودگاه میرجاوه به هواپراخته بود، در منطقه کوچ نورورد حریم هوایی افغانستان گردید. در پیامد این اقدام تحریک آمیز و تجاوزکارانه ایران، دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان در این زمینه شدیداً به دولت ایران اخطار کرد.

تجاوز مرزی اخیر ایران به خاک کشور همسایه ما، افغانستان، نه یک رویداد اتفاقی و حادثه ای ناخواسته، بلکه یکی از حلقه های سیاست خارجی تجاوزکارانه و ماجراجویانه جمهوری اسلامی بشار می آید. پس از انقلاب ۲۲ بهمن، رژیم جمهوری اسلامی در راه توطئه گری بر علیه انقلاب پیرومند افغانستان، دقیقاً سیاست دسیسه آمیز رژیم شاه را در ابعادی بمراتب وسیعتر و بعنوان

یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی خود، بگونه ای فعال دنبال کرد.

در حال حاضر، دولت ایران در همکاری نزدیک با پاکستان - یعنی سرپل اصلی تجاوز و جنگ اعلام شده امپریالیسم و ارتجاع علیه خلق و انقلاب افغانستان - بشکل بیسابقه ای سرگرم بسیج و آموزش و اعزام ضدانقلابیون افغانی و خرابکاری در امور داخلی کشور ضد امپریالیست و صلح دوست افغانستان هستند.

از سوی دیگر، دولت افغانستان تاکنون بارها به پیروی از سیاست صلحخواهانه و انقلابی خود به دولت های ایران و پاکستان، برای پایان دادن به جنگ اعلام نشده و تبدیل خطوط مرزیشان به مرزهای دوستی، صلح و همزیستی مسالمت آمیز پیشنهاد گفتگو داده است. ولی دولت ایران همواره این دست دوستی و آشتی را پس زده و سیاست تشدید توطئه و تجاوز را یگانه پاسخ خود ساخته است. زحمتکشان ایران توطئه تجاوز هوایی رژیم را به خاک کشور همسایه شدیداً محکوم می کنند.

را بویژه در عربستان سعودی، بحرین و عمان محکوم می کنند. آنها خواستار تعیین تکلیف زندانیان سیاسی، آزادی آنها و پذیرش تصریحات اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند. آنها پیگیر، بازداشت غیر قانونی، شکنجه زندانیان و نقض آزادیهای عمومی را در سودان و سومالی و اردن محکوم می کنند.

احزابی که در کنفرانس شرکت کرده اند اعتقاد راسخ دارند که میتوان به اقدامات امپریالیستی، بویژه اقدامات امپریالیسم آمریکا در جهت تأیید مقاصد صهیونیستی اسرائیل و سایر نیروهای ارتجاعی در منطقه، مهارزد و تناسب قوا را بنفع نیروهای صلح، آزادی ملی و ترقی اجتماعی تغییر داد. شرط اساسی حصول این مقصود، همکاری و تعاون وسیعترین قشرهای ضد امپریالیست در منطقه، شرکت فعال توده های خلق، دفاع از آزادیها و حقوق دموکراتیک آنها و ارضاء نیازمندی های اساسی اجتماعی - اقتصادی ایشان می باشد.

باید اختلافات جزئی و ثانوی را کنار گذاشت، تبعیض در مورد کمونیست ها باید پایان یابد، آن محافلی که قصد منفرد کردن آنها را دارند باید از اینکار دست بردارند تا بتوان یک جبهه ضد امپریالیستی وسیع تشکیل داد و سدی استوار در برابر حملات امپریالیستی بوجود آورد تا بتوان سرانجام منطقه را از بستگی به امپریالیسم آزاد کرد و راه استقلال و ترقی اجتماعی را در برابر تمام کشورهای منطقه گشود و بدین ترتیب به تحکیم صلح جهانی یاری کرد.

احزاب برادر شرکت کننده در کنفرانس معتقدند که هدف اصلی شوروی سنجیزی و کمونیسم ستیزی ادامه اسارت خلقها، ادامه استثمار زحمتکشان، ناتوان کردن نیروهای میهن پرست، دموکرات و ترقیخواه و تضعیف همبستگی و مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع است. آنها معتقدند که وحدت کمونیست ها عامل اساسی در پیشبرد وحدت جنبش جهانی کارگری و تمام نیروهای ضد امپریالیسم

## از لابلای روزنامه ها

### فارسی شکر است!

"امیدوار هستیم در این هفته وحدت که فاصله بین سه نظر و تاریخ میلاد حضرت را که مربوط به برادران اهل سنت و تشیع است و به ابتکار حضرت آیت الله العظمی منتظری مورد استقبال گرم قرار گرفته بخوبی از آن استفاده بشود" (محمد یزدی، نایب رییس مجلس، کیهان ۶۳.۹.۱۸)

- پیشنهاد می کنیم در مجلس شورای اسلامی یک کلاس اکابر دایر کنند و زبان فارسی را به حضرات آیات اعظام و حجج اسلام یاد بدهند!

### نقش "فلان آقا"

"وقتی مردم میگویند این مسئولی که نصب شده و جواز اذیت ما را دریافت کرده است، متخلف است، متعدی به حقوق مردم است، فرصت طلب است، بی ضابطه است، بی معیار است، مردم را با اعمال خودش بشدت ناراضی کرده، و یا یک مسئولی متعهد است، مومن است، مجرب و کاردان و لایق است، مسئولین در جواب شکایات مردم به ما میگویند که دلیل عزل او اینست که فلان آقا او را تأیید نمی کند و یا اینکه آن را که ما نصب می کنیم، به این دلیل است که با فلان آقا موضع ندارد" (نماینده میاندوآب، کیهان ۶۳.۹.۲۶)

- از قدیم گفته اند: کدخدا را ببین، ده را بچاپ.

### سرعت عمل!

"قرار بود بر اساس اعلام مدیر عامل دخانیات سیگار تیر از روز ۱۷ آذر ماه در بازار توزیع شود. اما معلوم نیست دست اندرکاران بازار دزدی از چه کانی این سیگارها را بدست آورده بودند که روز ۱۵ آذر آنها به قیمت ۲۵ تومان می فروختند!" (کیهان و شما، کیهان، ۶۳.۹.۲۵)

- از یکی پرسیدند کی آمدی؟ گفت: پس فردا! گفتند: پس فردا که هنوز نیامده. گفت: من تندتر آمدم، زودتر رسیدم دست اندرکاران بازار دزدی هم تندتر جنبیدند و زودتر از دخانیات به پول و پله رسیدند! دیگر اینکه فی الواقع حق با آنهاست که می گویند کارها را از دولت بگیرد و به دست بخش خصوصی بدهد تا سریعتر انجام شود!

و ضد جنگ میباشد.

شرکت کنندگان در کنفرانس معتقدند که تشکیل یک کنفرانس بین المللی از احزاب کمونیست و کارگری برای اجرای عمل مشترک بر ضد تهدیدات امپریالیستی بر ضد تنش زدایی و صلح امریست لازم و بموقع.

## توطئه جدید

### علیه حزب توده ایران

سردمداران ج.ا. هر روز خواب تازه ای برای توده ایها می بینند. پس از خنثی شدن توطئه ها و پرونده سازیهای بی اساس علیه کادرهای رهبری حزب توده ایران، اینک "دادستان انقلاب اسلامی لرستان ادعا می کند که گویا" عوامل" حزب توده در مسیر خرم آباد-تهران "قصد هواپیما ربایی داشتند".

مقام یاد شده در توجیه این مسئله واهی که زاییده تخیل بیمارگونه جنایتکاران مافیایی است، می گوید: "ماموران شهرپاوی و امت حزب الله... با زیر نظر داشتن یک فرد معتاد متوجه حرکات غیرعادی و پای کج گرفته وی می شوند که پس از بازداشت، نامبرده اعتراف کرده است، وی و دو تن دیگر قصد ربودن یک هواپیمای مسافربری مسیر خرم آباد-آبادرند و وی قصد داشته کلت کمری را در پای خود جاسازی کند. پس از بازرسی از منازل هواپیما ربایان که در مراحل بازرسی خود را از عوامل حزب... توده معرفی کرده اند، علاوه بر یک قبضه کلت کمری و وسائل کج پیچی و عصا که قصد داشتند در امور هواپیما ربائی به کار ببرند، ۲ قبضه سلاح غیرمجاز و مقادیری وسائل شکسته بندی کشف شده است".

این خبر ساختگی، به اندازه کافی گویا هست و نیازی به تفسیر ندارد. پرونده سازان ضد توده ای که توان برخورد منطقی و ایدئولوژیکی با حزب ما را در عرصه مبارزه اجتماعی نداشته، ندارند و از این پس نیز نخواهند داشت، این بار برای دسیسه پردازی علیه حزب ما و ایجاد جو، اشخاصی را دستگیر کرده اند و تحت هر شرایطی آنها را وادار کرده اند خود را منتسب به حزب توده ایران معرفی کرده و به "هواپیما ربائی"، "اعتراف" کنند.

نکته جالب این که وقتی تیتر بزرگ خبر را در صفحات اول و سوم روزنامه "اطلاعات" می خوانیم، به نظر می رسد که عده ای در حین ارتکاب عمل هواپیما ربائی دستگیر شده اند، اما با اندکی دقت در متن خبر، درمی یابیم که مسئله ای بنام "هواپیما ربائی" وجود خارجی نداشته و همانطور که اشاره شد پرونده سازان و ضد توده ایهای حرفه ای که از هر جهت تیرشان به سنگ خورده، اینبار ترفند احمانه دیگری را علیه حزب ما بکار بسته اند.

همه می دانند که حزب توده ایران، در دوران فعالیت انقلابی خود هرگز به چنین شیوه هایی از "مبارزه" اعتقاد نداشته و ندارد. حزب ما همواره بر اساس یک خط مشی سیاسی مشخص و معلوم، برخاسته از جهان بینی دوران ساز مارکسیسم-لنینیسم مبارزه کرده و به مبارزه خود ادامه خواهد داد. حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر کشور، علیرغم همه دشواریها، دسیسه چینیها و پرونده سازیهای دشمنان خلق، به راه پرافتخار خود در مبارزه با امپریالیسم جهانی، دستیابی به آزادیهای دموکراتیک، سازماندهی و احقاق حقوق زحمتکشان کشور بی وقفه ادامه خواهد داد.

## روند دشواریهای ازدیکتاتوری در آمریکا جنوبی

ارث بردم و منتظر معجزه نیستم". دیون خارجی وزنه سنگینی بکردن دولت آینده برزیل خواهد بود. آنهم نه فقط از نظر مالی بلکه همچنین از نظر سیاسی و اجتماعی و ایدئولوژیکی، زیرا چنین بدی بزرگی بمعنی وابستگی به ایالات متحده آمریکاست.

شاید رییس جمهور تازه برزیل واقعا خواهان انجام اصلاحات موثری در نظام سیاسی کشور باشد، ولی تعداد زیاد قوانین ضد دموکراتیک موجود و مسائل بسیار دشوار اجتماعی که حاصل سیاست اقتصادی کشور است میتواند مانع بزرگی بر سر راه او باشد.

آیا منابع عظیم طبیعی کشور میتوانند وزنه ای در مقابل وابستگی مالی کشور باشد و به رییس جمهور امکان دهد در برابر شانتاژ و خرابکاری و تحمیلات ایالات متحده مقاومت کند؟ نباید فراموش کرد که کشور بزرگی مانند برزیل اگر دارای حکومتی ملی و مدافع منافع خلق خود باشد مانع بزرگی بر سر راه سیاست غارتگرانه امپریالیست هاست.

و سؤال دیگری که مربوط به همه کشورهای آمریکای لاتین که در زمانهای اخیر از بیوغ دیکتاتوریها خلاص گردیده اند میشود اینست که گرچه ژنرالها از حکومت کنار میروند ولی بسیاری اهرمها در دست آنان باقی ماندند. در اینصورت چه تضمینی وجود دارد که حکومت های خونین فاشیستی از نو باز نکرند؟

هم اکنون در بلیوی شاهد تلاشهای مکرر ژنرالهای وابسته به آمریکا برای بدست گرفتن اهرم های قدرت هستیم. در عین حال فشارهای اقتصادی و مالی امپریالیست ها دولت بلیوی را مجبور به اتخاذ تصمیم هایی می کند که موجب واکنش طبقه کارگر می گردد.

برزیل هم دارای طبقه کارگری است زیر فشار پلیسی و تبلیغاتی، ولی بهر حال نیرومند و پرتوان. بدون تردید دموکراسی، امکانات طبقه کارگر را افزایش خواهد داد. ولی اگر همین دموکراسی بخواهد بهانه ای برای مقابله با خواستهای بحق طبقه کارگر برزیل شود، ایجاد ثبات سیاسی در کشور بسیار دشوار خواهد شد.

برزیل بزرگ ترین و پر جمعیت ترین کشور آمریکای جنوبی پس از بیست و یکسال تحمل دیکتاتوری نظامی بالاخره با انتخاب یک رییس جمهور غیر نظامی نخستین گام را در راه دموکراتیزاسیون برداشت. پس از آرژانتین، بلیوی و اروگوئه، این چهارمین کشور آمریکای جنوبی است که خود را از بیوغ ژنرالهای دیکتاتور وابسته به ایالات متحده آمریکا خلاص می کند. تنها رژیم های فاشیستی پینوشه در شیلی و استروسنر در پاراگوئه باقی مانده اند که حتی در ایالات متحده هم دیگر امیدی به آنها ندارند. با اینهمه باید گفت که مسئله دموکراتیزاسیون و مبارزه در راه استقلال ملی و غلبه بر تسلط امپریالیستهای آمریکایی در آمریکای لاتین بسیار بغرنجتر از آنست که تنها برقرار شدن دموکراسیهای پارلمانی بتواند آنرا حل کند.

بارزترین حاصل این وابستگی، بهنگام چنگ اخیر آرژانتین و انگلستان بر سر مالکیت جزایر مالویناس مشاهده شد که بر اثر فشار نظامی و اقتصادی بسیاری از کشورهای امپریالیستی عضو ناتو و وابستگی شدید مالی و نظامی آرژانتین به این کشورها، خلق آرژانتین علیرغم دادن قربانیهای فراوان مجبور شد تن به شکست بدهد.

ژنرالهای وابسته به آمریکا هنگامیکه به کمک "سیا" و پنتاگون به حکومت می رسند بیکار نمی نشینند. سرکوب آزادیهای سیاسی و اجتماعی تنها بخشی از وظایفشان را تشکیل می دهد. بخش دیگر وظایف آنها تسهیل نفوذ بازم بیشتر مالی و اقتصادی امپریالیست ها در این کشورهاست. بطوریکه هر یک از این دیکتاتوریهای فاشیستی، بهنگام برکنار شدن آنچنان میراث وحشتناکی را بجای می گذارد که به دشواری میتوان از زیر بار سنگین آنها رهایی یافت.

بعنوان مثال برزیل را در نظر بگیریم. امروزه این کشور بزرگ آمریکای لاتین وارث ۱۰۴ میلیارد دلار بدی خارجی است که بخش عمده آن ها تعلق به بانکهای آمریکایی دارد. تاکنون نه ویش رییس جمهور منتخب برزیل خود می گوید "هرج و مرج به

## دکتر ترقی ارانی: فرزانه...

بقیه از صفحه ۳  
ایرو خاری تحمل ناپذیر در چشم رژیم شد. سرانجام در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ چراغ پر فروغ زندگی دکتر ارانی، این فرزانه بزرگ خاورزمین، در سن ۳۸ سالگی بدست دژخیمان رضاخانی خاموش شد. اما دیری نپایید که از بذرهای طلایی ارانی کشت گاهی بر حاصل و بار آور پدید آمد. پس از شکستن یخ استبداد و باز شدن در زندان ها، همزمان ارانی به یاری دیگر بیکارگران راه آزادی و استقلال و پیشرفت اجتماعی درفش خونین او را به دوش گرفتند و حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران را بنیاد گذاردند. راه ارانی، راه حزب او، راه طبقه کارگر

ایران، راه همه مبارزان پیشرو ضد استثمار و ضد استعمار، راه تحول بنیادی جامعه کهنه سازندگی جامعه نو، راه خلاق، علم و عمل است. راه ارانی راهیست آینده ساز و نام او نامی است جاویدان.



**کمک مالی به حزب توده ایران  
یک وظیفه انقلابی است!**

NAMEH  
MARDOM  
NO: 35

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

JAN. 31, 1985